

اجتماعی

آسیب شناسی سنت پسندیده قرض الحسنه

رجحان قرض دادن تاکید کرده‌اند، چرا که فرد مقروض علاوه بر اینکه مشککش حل می‌شود، زیر بار منت نمی‌ماند و ذائقه او به صدقه گرفتن عادت نمی‌کند.

مسجد لرزاده، پیشرو

سال ۱۳۴۸ نخستین صندوق قرض الحسنه رسمی در ایران در جوار مسجد «لرزاده»

افتتاح شد و از آن روز تا کنون بیش از ۳ هزار صندوق در ایران تاسیس شده است. این صندوق‌ها که عمدتاً زیر نظر سازمان اقتصاد اسلامی فعالیت می‌کنند تنها شکلی از صندوق‌های قرض الحسنه هستند که فقط قرض الحسنه می‌دهند و با یقین می‌توان از آنها به عنوان بر پا دارندگان سنت قرض الحسنه یاد کرد. این صندوق‌ها سپرده‌های مردم و به خصوص خیرین را جمع‌آوری می‌کنند و بدون شروط ویژه مالی، در اختیار نیازمندان قرار می‌دهند. این صندوق‌ها که عمدتاً در جوار مساجد فعالند، دارای شعبه‌های گوناگون نیستند و از وام‌گیرندگان بابت وام، سود دریافت نمی‌کنند، تنها مزد فعالیت کارمندان و هزینه‌های صندوق از وام‌گیرنده دریافت می‌شود که آن هم رقم ناچیزی است.

نظارت بر صندوق‌های قرض الحسنه

سازمان اقتصاد اسلامی همسایه روزنامه است دو کوچه پایین‌تر، نرسیده به میدان امام خمینی، این سازمان همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی با نام «بانک اسلامی ایران» و با هدف ارائه نمونه‌ای سالم از اقتصاد اسلامی بنیانگذاری شد و مبادرت به پذیره نویسی کرد، اما در جریان ملی شدن بانک‌ها متولیان آن ناچار شدند با تغییر برخی از مواد اساسنامه با نام جدید «سازمان اقتصاد اسلامی ایران» به صورت سازمانی غیر انتفاعی فعالیت کنند.

رسول گرامی اسلام فرمودند: شبی که مرا به معراج بردند، دیدم بر سر دربهشت نوشته شده است: صدقه ده برابر پاداش دارد و قرض الحسنه هجده برابر. از جبرئیل پرسیدم: چرا قرض الحسنه برتر از صدقه است؟ گفت: چون قرض گیرنده، بخاطر نیازش وام می‌گیرد، در حالی که سائل اگر نیاز مند هم نباشد، تقاضای کمک می‌کند.

او با زندگی و زندگی با او کنار آمده است، زردی صورتش را در پس سرخی سیلی و رنج هایش را در پس لبخندی محبوب پنهان کرده است. عادت کرده اگر زندگی بر او سخت می‌گیرد او زندگی را سخت نگیرد عادت کرده درآمد اندکش را تومان به تومان خرج کند، تا آخر ماه دستش پیش نامرد دراز نباشد. اما گاهی یک اتفاق همه چیز را به هم می‌زند، مریضی همسرش که سال‌ها با آن مدارا کرده بود سر برمی‌آورد و چونان طوفانی، آرام‌را از چشمان خانواده می‌روبد، یا آن طبیله‌ای که گوشه سقف خانه با اهل خانه انیس شده بود سر نا سازگاری می‌گذارد و با صدای‌های گاه و بیگاه ناگاه، دل امیر این خانه را می‌لرزاند، «نکنند سقف بریزد» او چه چاره دارد؟ غرورش به او اجازه عجز و لابه نمی‌دهد، باز سراغ صندوق قرض الحسنه هم‌جوار مسجد می‌رود در خفا و آرام ضمانتی رد و بدل می‌شود، در خیابان دست در جیب، دسته اسکناس‌ها را سفت گرفته و در عالم خیال از درآمد ماه بعد یک قسط کم می‌کند، با خود می‌گوید «خدا کریم است» با پنج هزار تومان کمتر هم می‌شود زندگی کرد، و بعد در ذهن آنچه را با این پنج هزار تومان برای خودش می‌خواسته بخرد از صورت خریدها حذف می‌کند، پدر خانه با لبخند وارد خانه می‌شود....

یاری دیگران در هنگام توانگری سنتی است که نه فقط در آیین ماکه در آیین تمام دینداران و نیک‌خواهان جهان سابقه‌ای دیرپا دارد، هر چند که شکل و شمایل آن متفاوت بوده است. در دین مبین اسلام آنچه‌چنان بر این سنت تاکید شده است که آدمی می‌پردازد بی انفاق، رسیدن به خیر و نیکی محال است و میان بخشیدن مال و قرض دادن آن نیز، بزرگان بر اهمیت و

بسنده کرده‌اند و اکنون نیز با ارائه این لایحه قصد دارند سایه نظارت را بر عملکرد صندوق‌هایی بگسترند که نه تنها از جانب مردم از آنان شکایتی نشده که همواره اسباب رضایت خدا و خلق خدا را فراهم کرده‌اند. این اقدام چنین می‌نماید که گویی ریشه تمام مشکلات نبود ناظر دولتی بر سر صندوق‌های سنتی است، حال آنکه این صندوق‌ها در تمام ۳۴ سال فعالیت خود صادقانه عمل کرده‌اند و کمترین اعتراضی از مردم را برانگیخته‌اند. آیا تشخیص اولویت مقابله با مفاسد و ایجاد شبکه نظارت یک ضرورت نیست؟

آیا مسئولان نباید ابتدا بدون فوت وقت جلوی فعالیت صندوق‌هایی را بگیرند که با مسدود کردن پول مردم ادعای پرداخت وام سه برابر را به آنان دارند در حالی که هیچ ضمانتی درباره ادامه کار آنان وجود ندارد. دکتر حسن سبحانی در این باره معتقد است «باید در مجلس برای صندوق‌های قرض الحسنه که عملیات بانکی می‌کنند، حتما قانون نظارتی وضع شود ولی در مورد صندوق‌های منفرد نیازی به مجوزهای جدید نیست زیرا این صندوق‌ها اصولاً فعالیت بانکی نمی‌کنند. لذا به نظر می‌رسد تصویب این لایحه که در تایید آن از جانب شورای نگهبان به علت مغایرت برخی بندها با قانون اساسی تردید وجود دارد، مشکلی را که هم اکنون به سرعت فراگیر می‌شود حل نکند زیرا قطعاً حل این مشکل به حرکت ضرب الاجل برای جلوگیری از فعالیت‌های صندوق‌های نوع دوم دارد. به نظر می‌رسد دولت باید با اتخاذ راهکاری فوری، از سپرده‌گذاریهایی جدید در صندوق‌های بی‌ریشه جلوگیری کند نه اینکه برای صندوق‌های سنتی که مشکلی را موجد نبوده‌اند مشکل جدید ایجاد کند.

ریشه‌های شکل‌گیری صندوق‌های بی‌ریشه

پول نقد امروزه مثل زغال داغ است، همه تلاش می‌کنند آن را در دستشان نگه ندارند، حتی کسانی که هیچ تجربه یا دانش اقتصادی ندارند، می‌دانند که نباید پولشان در خانه بماند لذا تعداد زنان خانه‌داری که پولشان را به کسبه برای کارکردن می‌سپارند، بسیار زیاد است. این از جهتی مثبت است که از راکد شدن پول ممانعت می‌کند، اما یکی از مهمترین علل مهاجرت شدن صندوق‌های قرض الحسنه واقعی نیز هست، یعنی فردی که در عین نیت خیر می‌خواهد آسیب اقتصادی ببیند نمی‌تواند پولش را جایی بخواباند که سالانه ۱۵ درصد آن به علت تورم افسار گسیخته کاهش می‌یابد. لذا به تدریج قرض الحسنه به نامی بی‌مسمات تبدیل می‌شود. بانک‌ها حساب‌های قرض الحسنه خود را به لاتاری تبدیل می‌کنند یعنی تلاش می‌کنند با قرار دادن جایزه‌های طمع بر انگیز، مردم را به واریز پول در حساب‌های به اصطلاح قرض الحسنه تشویق کنند و از آن سو بعد به نظر می‌رسد که این پول‌ها به عنوان قرض الحسنه به مردم داده شود چرا که اگر شما برای گرفتن وام قرض الحسنه مشخصی مثل وام ازدواج به بانک مراجعه کنید با هزار بدبختی و پارتی بازی موفق به دریافت وام خواهید شد، حال ببینید گرفتن وام‌هایی که تا این حد مشهور نیستند

در حال حاضر نیز هدف اصلی این سازمان، هماهنگی، نظارت و تقویت صندوق‌های قرض الحسنه سنتی است. به سراغ آقای «عبداله فرجی» مدیر عامل این سازمان می‌روم، فرجی می‌گوید: صندوق‌های قرض الحسنه واقعی بران دادن وام شرط و شروط مالی ندارند، شعبات گوناگون در کشور برپا نکرده‌اند، به سپرده‌گذاران جایزه نمی‌دهند به دنبال تبلیغات هم نیستند و فقط تلاش می‌کنند با ایجاد یک تشکل زیر نظر معتمدین و خیرین محل، از کار مردم گره گشایی کنند.

ظاهر امر نشان می‌دهد با این تعریف از صندوق‌های قرض الحسنه، نه سازمان‌های ناظر دولتی و نه مردم مشکلی نداشته باشند چنانچه یک مقام آگاه در بانک مرکزی هم می‌گوید: «ما با این نوع از صندوق‌ها مشکلی نداریم، حتی به آنها کمک هم خواهیم کرد.» اما برخی کارشناسان از موج جدید نظارت دولتی برای صندوق‌ها نگرانند «لایحه بازارهای غیر متشکل پولی» که در آینده نزدیک در مجلس بررسی خواهد شد، بر نگرانیها دامن زده است. «دکتر حسن سبحانی» نماینده مردم دامغان در این باره معتقد است: مکانیزی که برای نظارت بر صندوق‌های قرض الحسنه در نظر گرفته شده، این شبهه را ایجاد می‌کند که هدف از لایحه بازارهای غیر متشکل پولی حذف مؤسسات قرض الحسنه و مؤسسات پولی و اعتباری است.

هر چند هیچ کس از اصل نظارت بر این صندوق‌ها گریزان نیست، اما اگر این سنت پسندیده و این رفتار مقدس و خیر خواهانه، بخواهد در چارچوب نظارت دولتی قرار گیرد و هر کس برای کمترین تحرک خیر خواهانه، نیازمند کسب هزار مجوز مفید و غیر مفید باشد، بی‌تردید ادامه حیات صندوق‌های سنتی با مشکل مواجه خواهد شد.

فرجی مدیر عامل سازمان اقتصاد اسلامی در این باره معتقد است «مردم و معتمدان محلی بهترین ناظران این صندوق‌ها هستند و آمار و ارقام مربوط به فعالیت مالی این صندوق‌ها را نیز جمع‌آوری و به بانک مرکزی ارائه خواهد کرد»

از سوی دیگر «ایرج ندیمی» نماینده مردم لاهیجان می‌گوید: «لایحه بازارهای غیر متشکل پولی اولاً تأیید فعالیت آن دسته از تعاونی‌های اعتباری و صندوق‌های قرض الحسنه‌ای است که بر اساس قانون فعالیت و ثانیاً مانع فعالیت‌های غیر قانونی و مشکل ساز مجموعه‌هایی است که تحت همین قوانین، فعالیت‌های خارج از چارچوب مطروحه داشته و دارند.»

نشانی‌های اشتباه، نظارت‌های بی‌هدف

صندوق‌های موسوم به قرض الحسنه که همه کاری جز دادن قرض الحسنه به مستضعفان انجام می‌دهند، در چند سال گذشته رشد چشمگیری یافته‌اند و با فعالیت‌های غیر قانونی و خلاف خود، علاوه بر هدر دادن سرمایه‌های مردم آسیبهایی جدی به پیکره اقتصادی کشور وارد و در این میان، نهادهای ناظر تنها به دادن اطلاعات یا اعتراضات خفیف

می‌گویند: یعنی اگر خدای نا کرده شما پول مرا پس ندادید آنها جوابگو هستند؟

می‌گوید: بخشید، شما دارید در ایران زندگی می‌کنید.

با وزارت کشور تماس می‌گیرم، هر کسی مرا به دیگری پاس می‌دهد و پاسخ‌های گنگ آنها نشان می‌دهد چیزی به نام «اداره صندوقهای پایا» وجود خارجی ندارد، لذا از تلفنخانه سراغ فردی را می‌گیرم که مسئولیت صدور مجوز برای صندوق‌های قرض الحسنه را دارد. اقلایی که گویی را بر می‌دارم مقام آگاهی است که نخواست نامش فاش شود! البته این ماجرای مقامات مسئولی که نمی‌خواهند نامشان فاش شود داستان قشنگی است که شاید یک روز در باره آن گزارشی نوشتم.

می‌پرسم: آیا وزارت کشور برای صندوقهای قرض الحسنه مجوز صادر کرده است؟ سؤال تمام نشده می‌گوید: هیچ مجوزی صادر نکرده است. می‌پرسم: یعنی تمام کسانی که روی تابلو و یا آگهی‌هایشان می‌نویسند مجوز از وزارت کشور دارند؟ دروغ نوشته‌اند. می‌گوید: جواب شما را دادم ما صادر نکردیم.

تعجب می‌کنم که چطور ممکن است در یک کشور روی تابلوهای بزرگ و مشهود عبارت دریافت مجوز از یک وزارتخانه بزرگ وجود داشته باشد حال آنکه وزارتخانه اصلا مجوزی صادر نکند و به این اقدام متخلفان هم اعتراض نکنند، تعجب را با آن مقام آگاه که نخواست نامش فاش شود در میان می‌گذارم. می‌گوید: قبلا مجوز صادر می‌کردیم ولی در حال حاضر خیر، در ضمن درباره اینکه آنها روی تابلوها و آگهی‌هایشان این عبارت را می‌نویسند، شکایتی باید برای دفتر حقوقی ما برسد، دفتر هم وکیل دارد، پرونده تشکیل می‌شود و به آن شکایت رسیدگی می‌شود.

شماره ثبت دارند، پس معتبرند!

داستان شماره ثبت هم خواندنی است. یک عدد ۴ تا ۵ رقمی زیر آگهی صندوق‌های قرض الحسنه درج شده است، جالب است که کنار همان آگهی، آگهی‌های ثبت شرکت‌ها هم به چاپ رسیده است. به تلفن یک شرکت که وکالت ثبت شرکت را بر عهده دارد، زنگ می‌زنم.

– ببخشند من قصد دارم یک شرکت ثبت کنم اما اصلا فرصت پیگیری کارهای آن را ندارم.

– خب لازم نیست شما پیگیری کنید، ما اینجا چه کاره ایم؟

– یعنی چه؟

– بیک موتوری چند فرم برای شما می‌آورد که مشخصات رییس هیات مدیر عامل و اعضاء هیات مدیره و بازرسان را که کل اینها می‌توانند ۳ نفر باشند را در این فرم‌ها پر می‌کنید. اسم شرکت و حوزه فعالیت آن را هم می‌نویسید. بقیه با ما؟

– یعنی اصلا لازم نیست من به همراه شما بیایم، احراز هویتی، شناسایی مان شرکتی، چیزی....

– نه، هیچ نیازی نیست، آدرس دفتر شرکت را هم، آدرس منزلتان را

آیا ممکن است؟ آیا اگر شما به یک بانک رجوع کنید و بگویید به علت بیماری فرزندتان می‌خواهید وام قرض الحسنه بگیرید، به شما خواهند داد؟ اما اگر وام مضاربه ای بخواهید تا از طریق آن سود خوبی به بانک برسانید، شک نکنید که زیاد در نوبت نخواهید ماند! جالب اینجاست بانک مرکزی که مدعی است می‌خواهد بر فعالیت صندوق‌های قرض الحسنه نظارت کند از نظارت بر میزان وام‌ها و چگونگی پرداخت وام قرض الحسنه از طریق سیستم بانکی غافل است.

این تورم گسترده ۱۵ درصدی و کاهش ارزش پول از سوی دیگر موجب پدید آمدن قارچ گونه صندوق‌های به اصطلاح قرض الحسنه ای است که برای پرداخت وام، سپرده گذاری از مردم طلب می‌کنند و مدعی هستند اگر شما ایکس تومان در حساب خود بگذارید به شما پس از مدت مقرر، سه برابر آن وام پرداخت خواهند کرد. این صندوق‌های بی ریشه که مدتی است فعال شده‌اند و هیچ نهاد و سازمانی نیز خود را مسئول فعالیت‌های آنان نمی‌دانند، سرمایه‌های بسیاری از مردم را به باد داده‌اند و فعالیت آنان همچنان ادامه دارد. در باره این صندوق‌ها و مشکلاتی که برای مردم ایجاد کرده‌اند، در ادامه ازهر گذری که عبور کنید، لااقل چند مغازه می‌بینید که نام آنها صندوق قرض الحسنه است اما کار آنها هیچ نسبتی با قرض الحسنه ندارد. این مغازه‌ها مثل قارچ چهار گوشه هر شهری می‌رویند و با انتشار جداولی ادعا می‌کنند مشغول گره‌گشایی از کار مردم هستند. ادعا این است: هر مبلغی که در حساب خود در این صندوق بگذارید سه برابر آن وام قرض الحسنه دریافت می‌کنید، حالا فکر کنید هزار نفر هر کدام یک میلیون تومان در این صندوق موجودی بسپارند، رقمی که در اختیار صاحبان این صندوق قرار می‌گیرد یک میلیارد تومان است و آنها مجبورند بعد از ۴ ماه ۳ میلیارد تومان به سپرده‌گذاران خود وام دهند. و اینها برای جبران این کسری چه می‌کنند؟ چه ضمانتی در باره صلاحیت این اشخاص برای در اختیار گرفتن این سرمایه بزرگ مردمی وجود دارد؟ چه کسی بر عملکرد این افراد نظارت می‌کند؟

تابلوهای بزرگ و آگهی‌های مشهور این صندوق‌ها این ذهنیت را به وجود می‌آورد که دولت از نحوه عملکرد این صندوق‌ها آگاه است و نظارت مطمئنی بر این مؤسسات وجود دارد اما اخبار شنیده از ور شکستگی یا اظهار ور شکستگی این صندوق‌ها ما را به تردید می‌اندازد که آیا به راستی کسی مسئولیت این مغازه‌ها را می‌پذیرد؟

برای رسیدن به پاسخ این پرسش‌ها به شماره تلفن یکی از این صندوق‌ها زنگ می‌زنم. خودم را به عنوان یک مشتری معرفی می‌کنم، به متصدی صندوق می‌گویم من می‌خواهم در این صندوق سپرده گذاری کنم اما برای اطمینان می‌خواهم بدانم شما از کجا مجوز دارید؟ متصدی انگار اصلا از این سؤال خوشش نیامده باشد می‌گوید: خب؟ از بانک مرکزی، از وزارت کشور، البته از دومی بیشتر (!) می‌پرسم: یعنی قطعا از جانب وزارت کشور به شما مجوز داده‌اند؟

می‌گوید: خب! البته داده‌اند، از اداره صندوقهای پایا وزارت کشور

چرا مجوز نیروی انتظامی صادر می‌شود؟

از زمانی که آقای محتشمی وزیر کشور بود، تصمیم بر این می‌شود که نیروی انتظامی برای فعالیت صندوق های قرض الحسنه مجوز صادر کند، عده ای معتقدند این داستان ها سیاسی بوده و قصد داشته‌اند یک سیاست انقباضی برای صندوق ها به وجود بیاورند تا جناح بازار دچار مشکل شود و غیره.... بنده به این حرف ها کاری ندارم، پرسش من از نیروی انتظامی این است که این مجوزی که صادر می‌کند به چه معناست؟ چه فایده ای دارد؟ و چه چیزی را ضمانت می‌کند؟

پرسش من این بوده و هست که اگر سرنوشتی مشابه سر نوشت صندوق قرض الحسنه محراب کوثر برای صندوق های دیگر که مجوز نیروی انتظامی دارند رقم بخورد، چه کسی پاسخگوست؟ و چه کسی باید پاسخ مردمی را بدهد که با دیدن مجوز نیروی انتظامی به این صندوق ها اعتماد می‌کنند و پولشان را به آنان می‌سپزند؟

برای رسیدن به پاسخ این پرسش ها با «مرکز ارتباط با رسانه های نیروی انتظامی» تماس می‌گیرم می‌گویند، در خواست مصاحبه را بنویس و فکس کن، می‌نویسم و فکس می‌کنم، می‌گویند: این را می‌گذاریم در کارهای مسئول مربوطه که دستور بدهند، می‌گویم: بگذارید می‌گویند: نامه ات کم رنگ فکس شده، خواهش می‌کنم به همین نامه کم رنگ قانع شوند.... چند روز بعد ... نامه شما برای مصاحبه آماده است بیایید برید، مکان: عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، به سختی وارد می‌شوم از دوستانم که با

محبت نامه را به من می‌دهند تشکر می‌کنم،

می‌روم پی کارم... معاونت اطلاعات نیروی انتظامی باید به من پاسخ دهد، نگهبان با دفتر معاون تماس می‌گیرد، مسئول دفتر که از نامه و تقاضای من مطلع می‌شود می‌گوید: شما راه را اشتباه رفته اید، باید از بخش «ارتباط با رسانه ها» ی معاونت اجتماعی ناجا نامه می‌آوردید، می‌گویم: این رسم اداری تمام سازمانهاست که برای مصاحبه از روابط عمومی اقدام می‌کنند، می‌گوید: خب! اینجا اینطور است اما نامه را بسپار، برو، بعدا زنگ بزنجواب بگیر.

می‌روم و به روابط عمومی زنگ می‌زنم. اما سرانجام نتیجه ای حاصل نمی‌شود و سؤال های ما درباره مجوزهای نیروی انتظامی به صندوق های قرض الحسنه بدون جواب می‌ماند.

بنویسید. یا آدرس هر کجا که خواستید....

به شوخی می‌گویم، هزینه اینکه بنده را مدیر عامل (!) کنید چقدر می‌شود؟

می‌گوید، قابل ندارد، بالای ۵۰ - ۶۰ هزار تومان نمی‌شود.

این هم اعتبار آن شماره چند رقمی و جریان ثبت شرکتها، راستی داستان ثبت شرکتها هم سوژه قشنگی است، خودش یک گزارش است.

ناظر بعدی نیروی انتظامی

تا اینجا کار به جایی نرسیدیم، وزارت کشور از زیر بار مسئولیت شانه خالی کرد، اداره ثبت شرکتها هم که به لطف خدا از هفت دولت آزاد است. یاد چند ماه پیش می‌افتم که به یکی از شعبات صندوق به اصطلاح قرض الحسنه

«محراب کوثر» مراجعه کردم، شعبه مملو از مردمی بود که برای سپرده گذاری به آنجا مراجعه کرده بودند، فرم های ثبت نام به سرعت تکمیل می‌شد، قبض های پول که در بانک واریز شده بود تندو تند تحویل متصدی شعبه می‌شد، خودم را به زحمت جلوی باجه رساندم. پرسیدم: ببخشید من چطور مطمئن باشم که اگر پولم را در این صندوق بگذارم، از بین نمی‌رود.

متصدی خندید و گفت: خب شما باید مطمئن شوید، بعد پول بگذارید بعد به یک کاغذ قاب شده روی دیوار اشاره کرد و گفت:

این هم البته مجوز نیروی انتظامی است، به مجوز نگاه کردم اسم کسی به نام « دستجردی » روی آن نوشته شده بود، با عکس، گیج شدم، موضوع به نیروی انتظامی چه ربطی دارد؟ یعنی نیروی انتظامی ضامن پولی است که مردم به اینجا می‌سپارند؟ زمان گذشت... چند وقت پیش دوباره به همان صندوق مراجعه کردم، مردم باز هم آنجا بودند، اما این بار هر کس به گوشه ای تکیه داده بود، افسرده دفترچه ها را در دست گرفته بودند، آنچه نباید می‌شد شده بود صندوق تعطیل شده بود و اصل پولهای مردم را هم نمی‌دادند.

سریع چشمم به دنبال آن مجوز گشت، هیچ خبری از مجوز نیروی انتظامی نبود....

یاری دیگران در هنگام توانگری

سننی است که نه فقط در آیین ما که در آیین

تمام دینداران و نیکخواهان جهان سابقه ای

دیر پا دارد، هر چند که شکل و شمایل آن

متفاوت بوده است. در دین مبین اسلام

آنچنان بر این سنت تاکید شده است

که آدمی می‌پندارد بی انفاق، رسیدن به خیر

و نیکی محال است و میان بخشیدن مال

و قرض دادن آن نیز، بزرگان بر اهمیت و

رجحان قرض دادن تاکید کرده‌اند، چرا که

فرد مقروض علاوه بر این که مشککش حل

می‌شود، زیر بار منت نمی‌ماند و ذائقه او

به صدقه گرفتن عادت نمی‌کند